

# آیا بنرهای زیبای در اسلام حرام است؟

نوشته : س محمدعلی امام شوشتری

در پیش درآمد گفتاری که زیر سرآغاز - یادآواز هنرنقاشی ایران در روزگار اسلامی - برای مجله باستان‌شناسی و هنر نوشته بودم و در شماره چهارم آن مجله چاپ گردیده است ، این جستار را به گفتگو نهاده‌ام که هنرهای زیبای نقاشی و تندیس‌سازی در دین اسلام حرام نیست و سخنانی که قشریان در این باره می‌گویند پایه‌ای جز نادانی یا عوام‌فریبی ندارد .

نوشتن آن سخن و چاپ آن در مجله دوستانی را برانگیخت تا از من بخواهند در این زمینه گسترده‌تر چیزی بنویسم تا راه بر هرگونه کج‌اندیشی و کج‌فهمی بسته شود .

در درآمد سخن باید گفت : زمانی که آدمیان هنوز بیابگاه دانش و فرهنگ بالا نیامده بودند ، چون خود را در برابر نیروهای طبیعت که برخی از آن نیروها برای زندگی ایشان نیکی‌زا و برخی زیان‌آور بود ، ناتوان میدیدند و برآز آن گونه نمودهای متضاد گوناگون در پهنی این جهان نمیتوانستند پی برد و در زندگی اندیشگی ناتوان و سرگردان مانده بودند ، بناچار بزور نیروی پندار که در این هنگامها میدان پهناوری پیدا میکند و سخت خواهد ساخت ، چنین پنداشته‌اند که برانگیزنده هر یک از آن نمودها یک گروه موجود نیکخواه یا بدخواه نهانست که همواره چشم به آدمیان دوخته‌اند . گروه موجودهای نیکخواه بیاری و نیکی‌ایشان برمی‌خیزند و به وارونه آنها گروه نیروهای بدخواه همواره در پی فرصتی‌اند تا به آدمیان گرد رسانند و زندگی ایشان را تباه سازند .

در برابر چنین پندارهائی که آدمیان از جهان و زندگی در مغز پرورده بودند ، پیاپی برای دور راندن موجودهای بدخواه یا دسته ابلهان و ابله‌ساختن خود از آسیب و گردن ایشان و نیز بدست آوردن هر چه بیشتر مهربانی نیکخواهان ، راههائی از پیش خود ساخته بودند که همان راهها نخستین پایه بیشتر آئین‌های کهن بت‌پرستی در جهان است .

از جمله آن آئین‌ها این بوده که برای موجودهای نیکخواه و بدخواه نگاره‌ها و تندیس‌ها بر پایه پنداری که از اینگونه موجودها در مغز خود آفریده بودند ، ساخته و در بتخانه‌ها نهاده و برای هر کدام وردها و نیایشها آماده کرده و پرداخته بودند که در روزهایی از سال و ماه بانجام آن آئین‌ها و خواندن آن دعاها میپرداخته‌اند .

چون اینگونه پندارها مایه گرفتاری آدمیان و بازماندن ایشان از زندگی و پیشرفت بود ، بویژه دکاندارانی که شماره ایشان در زمانهای تاریک باستانی ، خیلی افزون‌تر از امروز بوده است ، از این پندارها بود خود بهره‌برداری میکردند آدمیان را هر چه بیشتر در ترس و بیم

می‌افکنند و از زندگی باز میداشته‌اند، از اینرو پیغمبران بزرگ راستین مانند شت زردشت و پیغمبر بزرگوار اسلام به‌نبرد با این پندارها برخاسته‌اند تا آدمیان را از بارسنگین آنها آزاد سازند. شت زردشت با تندیس‌سازی از خدا و فرشتگان به نبرد برخاسته بود و اردشیر بابکان که به نوسازی دین آن پادشاه برخاسته بوده، از بهت‌های مهربان و بودائی‌ان بسیار شکسته است. همچنین پیغمبر بزرگوار اسلام که دین او بر پایه یگانه‌پرستی و بت‌شکنی پی‌ریزی شده است یگانه‌پرستی را به‌گونه‌ای بمردم شناسانیده که آدمیان جز از خدای یگانه از چیز دیگری ترسند و هیچکس را در راه بردن جهان، جز ذات بی‌همتی او مؤثر ندانند. اسلام همه‌نام‌هایی را که در کیشها برای موجودهای نهانی ساخته و پرداخته بودند پوچ و بی‌اثر و بی‌چاره و ناتوان خوانده است.<sup>۱</sup>

در دین اسلام یگانه‌پرستی دو پایگاه بسیار بالا دارد: نخستین آن دو پایگاه آفرینش (الوهیت) است بدینگونه که جهان را و هرچه در اوست خدا آفریده و در آفرینش آن هیچ نیروی دیگری دستی نداشته است. از اینرو تنها اوست که شایسته ستایش و نیایش است. در این پایگاه بسیاری از بیروان کیشهای کهن نیز همدستان بوده‌اند زیرا هیچ‌سنگینی هرچه نادان هم بود نمیتوانست باور کند تندیس بیجان چوبی یا سنگی یا فلزی که خود بدست خود ساخته و ذره ناچیزی از این جهان پرشکوه است او خودش و این جهان را یا همه شکوه و زیبایی آفریده است.<sup>۲</sup>

پایگاه دوم یگانه‌پرستی که بسیار بالاتر از پایگاه یکم است و لغزشگاه بزرگ آدمیان نیز در آن است و مایه دست دجالان دکاندار نیز همان بوده، پایگاه راهبری جهان یا بگفته اهل کلام «ربوبیت» است.

پیغمبر بزرگ اسلام در این پایگاه چنین فرموده که هیچکس و هیچ نیروی در راه بردن این جهان جز خدای یگانه دستی ندارد و این تندیسها و نقشا و نگاره‌ها که میان بتخانه‌ها و درج‌های عمومی نهاده‌اند و بنام میانجی میان خود و خدا آنها را می‌ستایند، بیچاره‌اند و همه آنها و کسانی که آنها را می‌پرستند سوخت دوزخند.<sup>۳</sup>

از اینجا بود که آن بزرگوار برای آنکه مردم را از زیر بار اینگونه پندارهای زیان‌آور آزاد کند و بایشان نشان دهد که تندیسها و نگاره‌ها هیچ اثری در زندگی مردم ندارد حتی به دور کردن خطر از خود نیز توانا نیست، فرمان داد در همه جا آنها را بشکنند و از پایگاه خدائی و پرستش فرو اندازند تا مردم از پرستش آنها و شر متولیان آنها آزاد و در زندگی سبکبار شوند.

شکوه‌ای از انوار الهی در عالم اسلام با اینگونه تندیسها و نگاره‌ها نبرد کرده و با هر تندیس و نگاره و نقش دشمنی نداشته است. اسلام با تندیسها و نگاره‌ها و نقش‌هایی که ابزار شرك و دوگانه پرستی بوده دشمنی نشان داده، تندیس‌هایی که بنام نمودی از خدا و تجسمی از فرشتگان او می‌ساختند و در پرستشگاهها مینهادند و آدمیان را امیداشتند برای خشود ساختن آنها چاکرانه در روبروی آن بتان بیجان زانو زنند و با ناله و زاری و وردخوانی مهرایشان را بسوی خود کشند یا آزار پنداری آنها را از زندگی خود بزدایند. چون همه اینها جز مایه گمراهی و سنگینی بار زندگی آدمیان نبود، پیغمبر اسلام همه را برانداخته است و آدمیان را از نیایش کردن در برابر آنها و ترسیدن از آنها باز داشته.

پس هیچگاه پیغمبر بزرگوار اسلام تندیس‌سازی و نگاره‌گری و نقاشی را بطور مطلق منع نکرده و حرام نکرده است. ساختن تندیس از خدا و در برابر آن به نیایش پرداختن در

۱ - تلك اسماء سمیتوها اتم و آباءکم ما ازل الله بها من سلطان

۲ - ولان سئلتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله .

۳ - ها ولاء شعفاء نا عند الله . قل اتم و مشعائکم حطب جهنم .

اسلام حرام است و زشتی این کار بر هیچ خردمندی پوشیده نیست . پس از این دیباچه که درحقیقت دلیل خردمندانه مطلق بود که گفتم و نوشتن آن برای روشن ساختن راه گفتگو بایسته بود اجازه دهید اکنون دلیل شرعی سخنی را که گفتم بازگویم و روشن سازم .

در علم اصول فقه قاعده‌ای هست که آن را در چند عبارت گفته‌اند از جمله :  
« هر حکم شرعی که بر علتی بی نهاده شده همیشه در بودن و نبودن تابع علت خود میباشد »<sup>۴</sup> .

گاهی این اصل را باین عبارت نیز گفته‌اند .  
« حکم شرعی بر علت خود مبتنی است و پایان علت پایان آنست »<sup>۵</sup> .  
معنی این قانون کلی چنین است که تا علت هر حکم وجود دارد آن حکم باید روان گردد و چون علت از میان رفت دیگر آن حکم روان نیست .

ساده‌ترین مثال برای نشان دادن این معنی آنست هر نوشاکی تامستی آو راست حرام است و اگر حالت مستی‌آوری که علت حکم است از آن زدوده شد همین نوشاک دیگر حرام نیست . شما در مثل قراپه‌ای پر از شراب خلار دارید . چون شراب مستی‌آور (مسکر) هست قراپه نجس و نوشیدن آن حرام است . اما اگر مایه سرکه بآن زدند و محتوی همان قراپه بدل به سرکه شد و دیگر مستی‌آور نبود چون علت حرمت از میان رفته است دیگر همان شیشه نه نجس است و نه حرام .

همین اصل درباره تندیس‌سازی و نقاشی و نگاره‌گری فرمانرواست اگر بخواهند تندیس‌های از خدا بسازند که در برابر آن نیایش کنند بیگمان کار ایشان خطا و از دید اسلام حرام است زیرا ابزار شرک را فراهم کرده‌اند و این کار با پایه توحید به ویژه در ربوبیت سخت ناسازگار است .

ولی ساختن تندیس برای آراستن شهرها یا یادبود و بزرگداشت مردان نامی ، مردانی که بجامعه خدمتی کرده‌اند ، و نیز هر گونه نقاشی (جز کشیدن چهره خدا و فرشتگان برای نیایش یا قدیسان و پیغمبران برای نیایش) بهیچ‌روی حرام نیست و هر کس چنین سخنی گوید یا ریاکار است و یا عوام‌فرب و یا نادان ناآگاه از اسلام و قانونهای بنیادی این دین مبین .

بنابر این هنرمندان ما بدانند که در کار آنها هیچگونه ناسازگاری با دین و اخلاق وجود ندارد و با دل‌گرم بکار خویش پردازند و نکوشند نمونه‌های ارزنده هنری هر چه بیشتر از قریحه خود پدید آورند .

ششکای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴ - ان حکم الشرعی المبنی علی علة ید ورمع علتة وجودا وعلما .

۵ - ان حکم الشرعی مبنی علی علتة قیامتها ما یتنبی .

رتال جامع علوم انسانی